

ملحق رقم (٦)

پیوست ٦

جمعة صلب الحواري الثالث عشر (جمعة ١٣) (١)

جمعه به صلیب کشیده شدن سیزدهمین حواری (جمعه سیزدهم) (٢)

مرّت على الإنسانية قبل أيام قليلة (جمعة) تحمل رقم (١٣) من شهر نيسان ٢٠١٢ م، وهي المسماة بجمعة الأحران لدى جمهور كبير من المسيحيين (الأرثوذكس بالتحديد)، وبشكل عام فإنّ المطالع لسيرة ملايين البشر اليوم وفيما سبق يجدهم يتشاءمون من الجمعة التي تصادف ١٣، ويتصرفون فيها بشكل لم تعهده باقي أيامهم من ترك السفر أو التسوق أو قضاء حوائجهم فيها، فما قصة الإنسان مع هذه الظاهرة العالمية؟

چند روز پیش «جمعه» ای بر جامعهی انسانی گذشت -جمعهی «١٣» از ماه آوریل ٢٠١٢- که توسط بسیاری از مسیحیان (به خصوص ارتودکسها) به «آدینهی شوم» نامیده شد. به طور کلی اگر کسی رفتار میلیونها نفر از نوع بشر امروز و همچنین گذشتگان را مطالعه کند، می بیند که جمعهی مصادف با سیزدهم ماه را به فال بد می گیرند و در آن، به صورتی متفاوت با سایر روزهایشان رفتار می کنند؛ از جمله نرفتن به مسافرت، عدم اقدام به خرید و فروش یا برآوردن احتیاجاتشان در آن. حال ماجرای این رفتار نوع انسانی با این پدیدهی عالم گیر چیست؟

١. هذا الملحق أعدته بما عرفته من كلمات الحواري والوصي الثالث عشر السيد أحمد الحسن ع، (الملحق).

٢- این پیوست را با توجه به سخنانی که از سیزدهمین حواری و وصی، سید احمد الحسن ع درک کردم، آماده نمودم (گردآورنده).

وقبل استشراف الإجابة عليها من كلمات الحوارى السيد أحمد الحسن ع، نود أن نتعرف على شيء من نظرة الإنسان لها:

پیش از شرفیاب شدن به پاسخ آن از کلمات حوارى سيد احمد الحسن ع مایلیم گوشه‌ای از دیدگاه نوع انسان را در این خصوص بدانیم:

أما عند الغربيين، فإنهم بشكل عام يتشاءمون من جمعة تقع في الثالث عشر، وفي الثلاثينات مثلاً وفق صحيفة نيو يورك هيرالد New York Herald جاء أن المعدل اليومي للزواج في نيويورك وصل إلى ١٥٠ زوجة، فيما لا يكاد يتخطى الـ ٦٠ نهار الجمعة. فالخوف من مصادفة تاريخ ١٣ يوم جمعة ليس اعتيادياً عندهم أبداً، يقول الطبيب دونالد دوسي: (إن العوارض التي تصيب ٢١ مليون أميركي في مثل هذا اليوم تتراوح بين التوتر الخفيف والاضطراب والإحساس القوي بالتشاؤم والذعر. والبعض لا يترك سريره أو يغادر منزله، في حين يقوم آخرون بكل أنواع الطقوس لصد تأثيرات هذا اليوم).

اما از دید غربی‌ها، آنها به طور کلی جمعه‌ای را که مصادف سیزدهمین روز ماه شود را به فال بد می‌گیرند. به عنوان مثال طبق گزارش روزنامه‌ی نیویورک هرالد^(٣) میانگین ازدواج دوازده ماه سال در نیویورک به ١٥٠ ازدواج می‌رسد؛ در حالی که در این جمعه از مرز ٦٠ مورد عبور نکرده است. ترس از مصادف شدن با روز جمعه‌ی سیزدهم از نظر آنان، به هیچ وجه معمولی و پیش پا افتاده قلمداد نمی‌شود. دکتر دونالد دوسی می‌گوید: «عوارضی در چنین روزی گریبان‌گیر ٢١ میلیون آمریکایی شده است؛ از جمله ناراحتی خفیف، اضطراب و تشدید احساس شومی و ترس. برخی از بستر خود بیرون نمی‌آیند یا منزل خود را ترک نمی‌کنند؛ و دیگران انواع عبادات و تشریفات را برای جلوگیری از تأثیرات این روز به جا می‌آورند».

وفي دراسة أجرتها مجلة سميثسونيان تبين أن الشركات الأميركية تخسر كل يوم جمعة ١٣ في أي شهر ٧٥٠ مليون دولار؛ لأن الناس لا تتسوق أو تسافر في يوم جمعة ١٣. كما أنه لا تستخدم نسبة كبيرة جداً من ناطحات السحاب والفنادق في الولايات المتحدة الرقم ١٣ في ترقيم طبقاتها وتقفز من ١٢ إلى ١٤، وأحياناً يستبدل الرقم ١٣ بالرقم 12A. وفي المستشفيات لا وجود لغرفة تحمل الرقم 13، أما شركات الطيران فلا تدخل هذا الرقم على رحلاتها.

در پژوهشی که مجله‌ی اسمیتسونیان^(٤) انجام داده است، روشن شده که شرکت‌های آمریکایی در هر جمعه‌ی سیزدهم ماه ٧٥٠ میلیون دلار زیان می‌کنند؛ زیرا در روز جمعه‌ی سیزدهم مردم خرید نمی‌کنند یا به مسافرت نمی‌روند. درصد بسیار بزرگی از آسمان‌خراش‌ها و هتل‌های در ایالات متحده‌ی آمریکا شماره‌ی ١٣ را در شماره‌گذاری طبقاتشان استفاده نمی‌کنند و از ١٢ به ١٤ می‌پرند و گاهی شماره‌ی ١٣ به صورت 12A می‌نویسند. در بیمارستان‌ها اتاقی وجود ندارد که شماره‌اش ١٣ باشد و شرکت‌های هواپیمایی این شماره را در فهرست‌های خود وارد نمی‌کنند.

ثم إنَّ الخوف من جمعة ١٣ ليس محصوراً بالولايات المتحدة، ففي القرن التاسع عشر مثلاً كانت شركة لويدز للتأمين البحري في لندن ترفض تأمين أي سفينة تبحر يوم جمعة ١٣، وحتى اليوم لا تحرك البحرية الأميركية أي سفينة في هذا الموعد.

به علاوه ترس از جمعه‌ی سیزدهم فقط به ایالات متحده محدود نمی‌شود. به عنوان مثال در قرن نوزدهم شرکت بیمه‌ی دریایی لویدز لندن هر کشتی را که روز جمعه‌ی سیزدهم حرکت می‌کرد، بیمه نمی‌کرد. حتی تا امروز نیز نیروی دریایی آمریکا هیچ کشتی را در این زمان حرکت نداده است.

ویری بعضهم أنَّ الخوف من جمعة ١٣ خوف غير مبرر، وأنَّ ذلك أشبه بالدعاية الكاذبة، يقول الدكتور مارتين لوثركينج: (إنَّ أكبر حاجات الإنسان هو أن يجعل نفسه فوق مستنقع الدعايات

الكاذبة، فالأشخاص المصابون بالأمراض والضعف النفسي يستسلمون بسرعة إلى الخرافات، ويظلون في حالة قلق وخوف دائم).

برخی نظرشان این است که ترس از جمعهای سیزدهم، ترسی بی دلیل است و این موضوع بسیار به تبلیغات کاذب شباهت دارد. دکتر مارتین لوترکینگ می گوید: «بزرگترین نیاز انسان این است که خودش را بالاتر از باتلاق تبلیغات کاغذی قرار دهد. کسانی که گرفتار بیماریها و ضعف درونی هستند، به سرعت در برابر خرافات سر تسلیم فرود می آورند و در حالت تشویش و ترس همیشگی قرار دارند».

إنَّ تحليل دكتور مارتين لهذه الظاهرة سرعان ما يكذبه تصرف الإنسان نفسه، فإنَّ لسان حال الناس يقر بصدق معتقدهم خصوصاً وإنهم تلقوا ذلك وفق تجارب عاشوها عبر عصور مديدة، فالناس بطبعهم تجريبون بمعنى أنهم إذا جرّبوا شيئاً ووجدوا أنَّ له واقعاً فعلاً فكلهم يعتقدون به، حينها لا تنفعهم نصائح أدياء العلم وإن كانوا يقدمون لأنفسهم بالعلامة أو الدكتور أو ما شابه. وبالتالي فمثل تلك النصائح لا تنفع في رفع الحزن الذي يخيم على الإنسان الغربي في جمعة ١٣.

تجزیه و تحلیل تحلیل دکتر مارتین از این پدیده به معنی شتاب کردن در تکذیب دخل و تصرف انسان بر نفسش می باشد. زبان حال مردم به صدق و راستی اعتقاد آنان اقرار دارد؛ به خصوص اینکه آنان این مسأله را بر اساس تجاربی که طی مدت های مدیدی داشته اند، پذیرفته اند. مردم به طور طبیعی بر اساس تجربه عمل می کنند؛ به این معنا که اگر چیزی را تجربه کنند و ببینند که برای آن در عمل، اتفاقی افتاده است، همگی به آن اعتقاد پیدا می کنند. در این هنگام موعظه های مدعیان علم به آنها سودی نمی رساند؛ هر چند خود را با علامه، دکتر یا هر چیز دیگری توصیف نمایند. در نتیجه نصیحتی از این دست در برطرف کردن اندوه آنان که در جمعهای سیزدهم بر انسان غربی سایه می افکند، برایشان سودی نخواهد داشت.

قريب من ذلك نجده لدى الإنسان الشرقي أيضاً، وإن كان قد سار مخطئاً كزميله الغربي لأبعد من جمعة ١٣ ليصور التشاؤم من نفس رقم (١٢) وليس فقط من جمعته.

نزدیک به چنین چیزی را نزد انسان شرقی نیز می‌بینیم. هر چند فراتر از همتای غربی خودش از جمعه‌ی سیزدهم پا را فراتر نهاده و از خود شماره‌ی «١٣» تصور شومی دارد و نه فقط از جمعه‌ی آن.

فما هي حقيقة تلك الظاهرة (حزن بني الإنسان في جمعة ١٢)، ولأي سبب كان كل ذلك الغم والحزن العميق فيها ؟

اما واقعیت این پدیده (غم و اندوه انسان‌ها در جمعه‌ی سیزدهم) چیست؟ به طور کلی این غم و اندوه عمیق در این روز، به چه علتی رخ می‌دهد؟

لنرى قبل كل شيء مثلاً لأيام حزن يعتقد بها المسلمون، وهنا نتذكر في مقدمتها يوم العاشر من المحرم مثلاً، فهو يوم شهادة الإمام الحسين ع، خليفة الله في أرضه وريحانة نبيه المصطفى ﷺ، وقد ورد عن آل محمد ﷺ أنه يوم حزن ونهوا فيه عن قضاء الحوائج والانشغال بأمور الدنيا.

پیش از هر چیز، سری به مثالی از روزهای اندوه‌باری که مسلمانان به آن اعتقاد دارند، بزنیم. به عنوان طلایه‌دار چنین پدیده‌ای، از روز دهم عاشورا یاد می‌کنیم؛ این روز، روز شهادت امام حسین ع خلیفه و جانسین خداوند در زمینش و ریحانه‌ی محمد مصطفی ﷺ است. از آل محمد ع روایت شده است که این روز، روز حزن و اندوه است و ایشان ع از برآورده کردن نیازها و مشغول شدن به امور دنیوی نهی فرموده‌اند.

وشبیه بذلك الحزن يجده الإنسان عند تذكره لقتل نبي الله يحيى بن زكريا ع وفصل رأسه عن جسده الشريف. فماذا حصل يا ترى في جمعة ١٢ شبيهاً بيوم العاشر من المحرم ويوم قتل يحيى بن زكريا ؟؟ وهل اتشح ذلك اليوم هو الآخر بدم خليفة من خلفاء الله في أرضه ليحاكي قلب الإنسان الذي يُخيم عليه حزن

عمیق فی (جمعة ۱۳) دم أبیه الذی أریق علی أرض المعصية
والجحد، (وخليفة الله هو الأب الحقيقي كما هو معلوم)؟

شبيه به چنین حزن و اندوهی را انسان هنگام به یادآوری کشته شدن
پیامبر خدا، یحیی بن زکریا علیه السلام و جدا کردن سر مبارکش از جسد شریفش
تجربه می کند. در روز جمعه ی سیزدهم که شبیه روز دهم محرم و روز
کشته شدن یحیی بن زکریا است، چه اتفاقی روی داده یا دیده شده است؟ آیا
این روز نیز نشان خون خلیفه و جانشین دیگری از خلفای خداوند در زمینش
به گردن خود آویخته تا دل انسان - که اندوهی عمیق در «جمعه ی سیزدهم»
بر او خیمه می زند- از خون پدرش حکایت کند؛ خونی که بر زمین سرپیچی و
انکار ریخته شده است؟ و مشخص است که جانشین خداوند، همان پدر
حقیقی است.

لا أعتقد أن الجواب سيقتي خافياً على ذهن القارئ لهذا
السفر الجليل، فرقم (۱۳) صار أمره واضحاً لدى أتباع الأديان،
فعند المسلمين نجد أنه مقترن بـ (الوصي الثالث عشر) من
أوصياء محمد صلوات الله عليه الذين ذكرهم في وصيته المقدسة وقد تقدمت،
وهو الوصي أحمد.

فکر نمی کنم پاسخ در ذهن خواننده ی این کتاب گران بها پوشیده باشد؛
موضوع شماره ی ۱۳ برای پیروان ادیان روشن شده، و نزد مسلمانان می بینیم
که این عدد با «وصی سیزدهم» از اوصیای حضرت محمد صلوات الله عليه که یادشان در
وصیت مقدس ایشان آمده و پیش تر تقدیم گردید همراه است؛ و او همان
احمدِ وصی است.

وأما عند المسيحيين فهو مقترن بالحواري الثالث عشر، مقترن
بالخروف المذبوح الذي توسط (الشيوخ الأربعة والعشرين +
الجالس على العرش) في رؤيا يوحنا اللاهوتي. فمجموعهم ۲۵
شيخاً (رسول الله محمد صلوات الله عليه + الاثنا عشر إماماً والاثنا عشر
مهدياً) ، ومن يتوسطهم هو الوصي (۱۳).

اما برای مسیحیان، ملازم با سیزدهمین حواری است؛ ملازم با بره ی
ذبح شده ای که در در رؤیای یوحنا ی لاهوتی در میان «عالی مقامان بیست و

چهارگانه + کسی که بر تخت نشسته است» می‌باشد. مجموع آنان ۲۵ پیشوا می‌باشند: «فرستاده‌ی خدا حضرت محمد ﷺ + ۱۲ امام و ۱۲ مهدی»، و آن کس که در میان آنان نشسته، وصی سیزدهم است.

وعلى حد تعبير عيسى ع للمصلوب في إنجيل يهوذا: «ستكون أنت الثالث عشر .. ولكنك ستأتي لتسود عليهم .. ولكنك ستفوقهم جميعاً لأنك ستضحى بالإنسان الذي يرتدني». وقد تبين في بحوث هذا الكتاب أن يهوذا المصلوب ليس هو الاسخريوطي الخائن، ومن يقول إن يهوذا الخائن رقمه ۱۳ فهو مخطئ؛ لأن يهوذا لم يكن رقم ۱۳، فواضح أن الحواريين كانوا ۱۲، وبعد أن خرج يهوذا وخان وحصل الصلب بفترة اختير حواري جديد ليكمل العدد ۱۲، وهذا يعني أنه لا يوجد شيء اسمه أن يهوذا الخائن هو حواري رقم ۱۳ أصلاً، ومن يقول هذا فهو مغالط. إنه يهوذا الصالح إذن، و(يهوذا = أحمد بالعربية)، فهو الوصي والحواري الثالث عشر أحمد كما وضّحه هذا الكتاب.

طبق تعبير عيسى ع برای شخصیت به صلیب کشیده شده در انجیل یهودا: «تو سیزدهمین خواهی بود... لیکن تو برای پادشاهی بر آنان بازخواهی گشت... اما تو برتر از همه‌ی آنها خواهی بود؛ زیرا تو آن انسانی را که مرا پوشیده است، قربانی خواهی کرد»؛ و در مباحث این کتاب، گفته شد که یهودای به صلیب رفته، همان اسخریوطی خائن نیست و کسی که بگوید: شماره‌ی یهودای خائن ۱۳ است، در اشتباه است؛ چرا که یهودا شماره‌ی ۱۳ نبود؛ روشن است که حواریون ۱۲ نفر بودند و پس از اینکه یهودا بیرون رفت و خیانت کرد و موضوع صلیب پیش آمد، برای مدتی حواری جدیدی انتخاب شد تا عدد ۱۲ تکمیل شود. این، یعنی اینکه هیچ چیزی به نام یهودای خائن وجود ندارد تا حواری شماره‌ی ۱۳ گردد، و هر کس چنین بگوید، مغالطه‌گر است. بنابراین این شخص، یهودای صالح و نیکوکار است؛ و «یهودا در عربی به معنی احمد» وصی و سیزدهمین حواری، «احمد» است؛ همان‌طور که این کتاب توضیح داده است.

هذا بالنسبة إلى رقم (۱۳) وصاحبه، لكن ماذا بالنسبة إلى
(الجمعة) ؟

این در خصوص شماره‌ی «۱۳» و صاحب آن، ولی در مورد «جمعه»
چطور؟

الجمعة هي (جمعة الأحران أو الآلام)، وهي التي حصل فيها
الصلب، وتُعرف بعدة أسماء أخرى أيضاً كالجمعة الحزينة أو
الأليمة أو العظيمة أو جمعة الفداء، وهو يوم احتفال ديني بارز
في المسيحية وعطلة رسمية في معظم دول العالم يسبق عيد
الفصح، يتم من خلاله استذكار المصلوب وموته ودفنه، إذ يعتقد
أغلب المسيحيين بحسب النصوص التي عندهم بأنّ الصلب حصل
في يوم جمعة.

جمعه، جمعه‌ی غم‌ها و دردها است؛ جمعه‌ای است که به صلیب کشیده
شدن در آن اتفاق افتاد؛ و به نام‌های دیگری نیز شناخته می‌شود؛ از جمله،
جمعه‌ی سوگوار، دردناک، بزرگ، یا جمعه‌ی فدا شدن. این روز در مسیحیت
روز جشن و بزرگداشت برجسته‌ای است و در بیش‌تر دولت‌های جهان، پیش
از عید فصح تعطیلاتی رسمی است که در آن یادى از مصلوب و مرگ و دفن
او می‌شود؛ زیرا بیش‌تر مسیحیان با توجه به متونی که در اختیار دارند اعتقاد
دارند که رفتن بر صلیب در روز جمعه اتفاق افتاده است.

وإذا عرفت هذا تعرف حينها سبب حزن ملايين الناس في
(جمعة ۱۳) بعد أن حار فيه العلماء وعجزوا عن تقديم تفسير
مقنع ورسين لمثل هذه الظاهرة العالمية.

حال که این را دانستیم، علت اندوه میلیون‌ها نفر از مردم در «جمعه‌ی
سیزدهم» را می‌فهمیم؛ آن هم پس از اینکه دانشمندان در این موضوع
سرگردان شدند و از آرایه‌ی تفسیری قانع‌کننده و محکم برای چنین پدیده‌ی
جهانی ناتوان ماندند.

ولأنّ يوم الجمعة كان هو اليوم الذي صُلب فيه شبيه عيسى ع،
ولأنّ الشبيه هو الوصي الثالث عشر (قائم آل محمد والمهدي الأول

أحمد) كما أوضحته بحوث هذا الكتاب (5)، كان ذات اليوم (أي الجمعة) مرتبطاً بدعوة الإمام المهدي ع وقيام القائم كما هو معروف عند الشيعة.

از این جهت که روز جمعه، همان روزی است که شبیه عیسی ع در آن به صلیب کشیده شد و از آن رو که شبیه، همان وصی سیزدهم «قائم آل محمد، مهدی اول، و احمد» می باشد - همان طور که مباحث این کتاب روشن کرده است - (۶) این روز (جمعه) با دعوت امام مهدی ع و قیام قائم در ارتباط است؛ همان طور که برای شیعیان چنین شناخته شده است.

ولأجل معرفة حقيقة هذه الظاهرة العالمية (جمعة ۱۳) و حزن الناس فيها، كنت قد سألت السيد أحمد الحسن ع عنها، فكان نص جوابه أن قال:

برای شناختن حقیقت این پدیده جهانی (جمعه ۱۳) و اندوه مردم در آن، از سید احمد الحسن ع درباره‌ی آن پرسیدم و متن پاسخ ایشان به شرح زیر است:

(الآن تقريباً ملايين البشر يتشاءمون من الجمعة التي تصادف ۱۳، فالناس أغلبهم كما هو معلوم تجريبون، يعني إذا جربوا شيئاً ووجدوا له واقعاً فعلاً فإنهم يعتقدون به، فهم بسبب تجاربهم وجدوا أن يوم الجمعة الذي يصادف ۱۳ يوم ربما لا تقضى فيه بعض الأحيان حوائجهم بشكل ملفت للنظر فاعتقدوا بهذا. وهذه مسألة مروية حتى عن الأئمة عليهم السلام بالنسبة ليوم عاشوراء وأنه لا يخرج فيه المؤمن لقضاء حاجة أو ما شابه.

«اکنون میلیون ها نفر از بشریت جمعه‌ای را که مصادف با سیزدهم است به فال بد می گیرند. همان طور که مشخص است بیش تر مردم براساس تجربه

5. للمزيد يمكن الاطلاع على كتاب (أحمد الموعود ملتقى رسالات السماء وسفينة نجاة المختارين) أحد إصدارات انصار الامام المهدي ع.

6- برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر می توانید به کتاب «احمد موعود، پیوند دهنده‌ی رسالت‌های آسمانی و کشتی نجات برگزیدگان» که یکی از انتشارات انصار امام مهدی ع است، مراجعه نمایید.

عمل می‌کنند؛ به این معنا که اگر چیزی را تجربه کنند و ببینند که برایش در عمل، اتفاقی افتاده است، همگی به آن اعتقاد پیدا می‌کنند. آنها براساس تجربه‌هایشان دیده‌اند که چه بسا در روز جمعه‌ی مصادف با سیزدهمین روز، گاهی اوقات نیازهایشان به شکل قابل توجهی برآورده نمی‌شود و به این ترتیب به این موضوع اعتقاد پیدا کرده‌اند. چنین چیزی در مورد روز عاشورا از امامان ع نیز روایت شده است؛ اینکه مؤمن در این روز برای برطرف کردن نیاز یا انجام کارهای شبیه به آن، بیرون نمی‌رود.

وبالرغم من حزن الناس أو تشاؤمهم من جمعة ١٣ لكنهم قد يكونون غافلين عن السبب، فإن كثيراً من الأمور تفعلها الناس وهي غافلة عن حقيقتها وأصلها، مثلاً: الناس عندما يريدون الاستعانة من الحسد يمسكون الخشب، وأصل هذا الأمر هو الاستعانة بالصليب الذي صلب عليه شبیه عيسى لأنه من الخشب.

بر خلاف حزن و اندوه مردم یا بد شگون شمردن آنها نسبت به روز جمعه‌ی ۱۳، آنها از علتش بی‌خبر هستند. بسیاری موارد وجود دارد که انسان انجام می‌دهد ولی از حقیقت و اصل آن بی‌خبر و غافل است. به عنوان مثال وقتی مردم بخواهند از حسد پناه ببرند به تخته می‌زنند. اصل این مسئله همان پناه بردن به صلیبی است که شبیه عیسی بر آن به صلیب کشیده شد؛ صلیبی که از چوب و تخته بود.

وبخصوص ما نتحدث عنه (جمعة ١٣)، فأعتقد أن رقم ١٣ في الإسلام والمسيحية صار واضحاً، أما الجمعة فهناك جمعة الأحران وهي التي حصل فيها الصلب، فإن يُصلب الوصي ١٣ في يوم الجمعة أليس هذا سبباً معقولاً لأن يعتبر الناس هذا اليوم يوماً مزعجاً باعتباره يوم حزين.

در خصوص موضوعی که در موردش سخن می‌گوییم (جمعه‌ی ۱۳) فکر می‌کنم شماره‌ی ۱۳ در اسلام و مسیحیت، روشن شد. اما درباره‌ی جمعه، جمعه‌ی غم‌ها و جمعه‌ای که موضوع صلیب در آن اتفاق افتاد و اینکه سیزدهمین وصی در روز جمعه به صلیب کشیده شد؛ آیا اینکه این روز، روز غم و اندوه است، علت معقولی نیست تا مردم این روز را روزی ناخوش آیند به شما آورند؟!

ونحن لا نستدل بهذا الأمر، ولكنه بيان نبينه لمن يعتقدون به دون أن يفهموا أصل اعتقادهم وعدم ارتياحهم لجمعة رقم ١٣. طبعاً، هناك من ذهبوا بعيداً واعتبروا الأمر هو تشاؤم من الرقم ١٣، وهذا أمر لا علاقة لنا به، فنحن نتكلم عن معتقد يعتقد به ملايين البشر وهو أن الجمعة التي تصادف ١٣ يوم غير مريح بالنسبة لهم أو يخافون منه أو يعتبرونه يوم شؤم، وقد تبين السبب الآن وهو أنه يوم حصل فيه صلب الوصي ١٣، يعني تماماً كما أن يوم العاشر من المحرم يوم حزن لأنه اليوم الذي قتل فيه الوصي الثالث (الحسين ع)، والفرق فقط في أن جمعة ١٣ أخذت طابعاً أوسع واعتقد بها المتدين وغير المتدين) انتهى.

ما به اين موضوع استدلال نمی‌کنیم؛ ولی توضیحی است که برای کسی که به آن اعتقاد دارد بیان می‌کنیم؛ بدون اینکه اصل و ریشه‌ی اعتقاد و ناخرسندی خود از روز جمعه‌ی ١٣ را بدانند. طبیعتاً کسانی هستند که از این هم فراتر رفتند و چنین پنداشتند که عدد ١٣ بدشگون است. ما به این موضوع کاری نداریم؛ ما درباره اعتقادی سخن می‌گوییم که میلیون‌ها نفر به آن اعتقاد دارند؛ اینکه جمعه‌ی مصادف با ١٣، روزی است که در موردش احساس خوبی ندارند یا از آن می‌ترسند یا آن را روز شوم و بدشگون می‌دانند. اکنون علت روشن شد؛ اینکه این روز، روزی است که در آن به صلیب رفتن سیزدهمین وصی اتفاق افتاد؛ یعنی درست مثل روز دهم محرم که روز غم و اندوه است؛ چرا که این روز نیز روزی است که سومین وصی (حسین ع) در آن کشته شد. فقط تفاوت در این است که جمعه‌ی ١٣ شکل وسیع‌تری به خود گرفته است و دین‌دار و غیر دین‌دار، به آن اعتقاد دارند» پایان سخن ایشان ع.

وبهذا ظهر أنَّ جمعة ١٣ تعني جمعة صلب الحواري والوصي الثالث عشر، فهي يوم قتله وإراقة دمه الطاهر، وأكد أنَّ الابن يعتصر قلبه حزناً وكمداً لإراقة دم أبيه.

به این ترتیب، مشخص شد که جمعه‌ی ١٣ به معنای جمعه‌ی به صلیب کشیده شدن سیزدهمین حواری و وصی است. این روز، روز کشته شدن او و جاری شدن خون پاکش است. به طور قطع قلب فرزند از ریخته شدن خون

پدرش، غمگین و اندوهناک می‌شود.

وها هو الأب (الوصي الثالث عشر) و(الحواري الثالث عشر)
قد عاد ليسود ويرفع راية للأمم ويملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما وعد
أنبياء الله ورسله، ويصرخ بأبنائه على هذه الأرض ليفيقوا قبل
فوات الأوان، فهل من مدكر !!

والحمد لله رب العالمين.

و اکنون این پدر، «سیزدهمین وصی» و «سیزدهمین حواری» است که
بازگشته تا آقایی کند و پرچم را برای امت‌ها بلند کند و همان‌طور که پیامبران
و فرستادگان خداوند وعده داده‌اند، زمین را پر از عدل و داد کند، و در این
زمین برای فرزندان‌ش فریاد برآورد؛ تا پیش از آنکه فرصت‌ها از دست برود،
بیدار شوند؛ آیا یادآوری‌کننده‌ای هست!!

و سپاس و ستایش تنها از آن پروردگار جهانیان است.

فهرس الكتاب

The table of contents is empty because you aren't using the paragraph styles set to appear in it

فهرست

The table of contents is empty because you aren't using the paragraph styles set to appear in it

